**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

خارج فقه ج 37 - احکام تخلی – 3/9/1400

*موضوع:* طهارت/إستنجاء /مساله1

مورد دوم و سوم از اشیائی که منع شده برای استنجاء استفاده شود : استخوان و پِشکل است فقهای عظام در این دو تسالم و اتفاق دارند به طوری که صاحب جواهر می نویسد ما مخالفی پیدا نکردیم در این مساله ، «بلا خلاف اجده».[[1]](#footnote-1) إلّا ، اما علامه در تذکره تردید کرد و حکم به کراهت کرد و صاحب وسائل بابی به عنوان کراهت به این دو مورد آورد مهم روایات است که چهار مورد می باشد که دو مورد آن ضعیف السند و دو مورد دیگر قاصر الدلالة است

اما آن دو موردی که دلالت آن قصور دارد که هر دو یک محتوا دارند :

روایت اول: محَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابَوَيْهِ قَالَ: إِنَّ وَفْدَ الْجَانِ‏ جَاءُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتِّعْنَا فَأَعْطَاهُمُ الرَّوْثَ وَ الْعَظْمَ فَلِذَلِكَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُسْتَنْجَى بِهِمَا.[[2]](#footnote-2)

روایت دوم : لیث المرادی عن ابی عبدالله (علیه السلام): عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ اسْتِنْجَاءِ الرَّجُلِ‏ بِالْعَظْمِ أَوِ الْبَعَرِ أَوِ الْعُودِ قَالَ أَمَّا الْعَظْمُ وَ الرَّوْثُ فَطَعَامُ الْجِنِّ وَ ذَلِكَ مِمَّا اشْتَرَطُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) فَقَالَ لَا يَصْلُحُ بِشَيْ‏ءٍ مِنْ ذَلِكَ.[[3]](#footnote-3)

این دو روایت از نظر دلالت قصور دارند چون یکی لا ینبغی و دیگری لا یصلح دارد که این دو کلمه دلالت بر حرمت ندارد مادامی که قرینه ای نباشد لذا فقها حمل بر کراهت کردند علاوه بر اینکه تعلیل امام علیه السلام نشانه کراهت است که فلذلک بخاطر اینکه پیامبر آن دو را به عنوان غذا به جن ها دادند

◼️ اما ان دو روایت که سند آن ضعیف است از دعائم الاسلام است که مؤلف کتاب منتسب به اسماعیلیه است و ضعیف است بخاطر مذهبش و توثیق نشده است و او می گوید که ائمه علیهم السلام ما را از این دو نهی کردند و حتی همه غذاها را هم نهی کردند و همینطور در مجالس صدوق دارد عن النبی صلی الله علیه و آله فی حدیث المناهی قال : و نهی أن یستنجی الرجل بالروث ( پشکل ) و الرِّمَّة ( استخوان پوسیده ) و سند این روایت مقطوعه است پس ضعیف است اما دلالت آن تام است چون کلمه نهی دارد و ظاهر نهی در حرمت است

◼️ اما جمع بین این روایات :

◼️ جمع اول : جمع سندی است که گفته شود که حرام است استنجاء به این دو مورد و عمل اصحاب و فتوای عامه اصحاب ضعف سند را جبران می کند چون همه اصحاب ما فتوا به عدم جواز دادند

◼️ جمع دوم : جمع دلالی که روایات نهوا و نهی حمل بر کراهت شود مثل صاحب تذکره و روایتی که تعلیل داشت می رساند که منظور از نهوا کراهت است چون حکومت یا به توسعه یا تضییق است که در اینجا حکومت روایت به توسعه دادن است که منظور از نهی حرمت نیست و به همین خاطر عده ای حکم به جواز کردند اما بسیاری از بزرگان می گویند ما نمی توانیم با اجماع مخالفت کنیم که صاحب جواهر فرمودند خلافی ندیدم و نظر استاد این است که لا یترک الاحتیاط

◼️ هذا کله فی الحکم التکلیفی اما الحکم الوضعی ( که آیا پاک می شود یا نه ؟ ) ، که در استنجاء با اشیای محترم ، دو وجه می باشد که اقوی الوجهین پاک است اما دلیل :

◼️ دلیل اول : عموم مطهریت کل جسم قالع للنجاسة بله اگر از روی عناد و کفر ذاتیه این کار را انجام دهد پاک نمی شود

◼️ دلیل دوم : نهی استفاده از اشیای محترم هرگز ملازم با حکم وضعی ندارد بلکه ملازمه با احترام دارد یعنی نمی گویند استفاده از این اشیاء پاک کننده نیست بلکه می گویند چون محترم است استفاده نشود مثل بیع وقت النداء که با این کار خرید و فروش حرام است اما مالک می شود

◼️ إن قلت : عمده دلیل بر تعدی از احجار به سایر اشیاء اجماع بود و اجماع قدر متیقن می خواهد و آن اشیای غیر محترم است و لذا اگر با اشیای محترم استنجاء کند طهارت حاصل نمی شود

◼️ قلت : قدر متیقن در جایی است که مورد مجمعین مشخص نباشد د حالی که معاقد تمام اجماعات بر این است که هر اشیایی که قالع نجاست است برای استنجاء جاری است لذا اگر از استنجاء به اشیای محترم منع شده ایم بخاطر این است که عمل ما حرام است

1. **- جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج‌2، ص: 49.** [↑](#footnote-ref-1)
2. - همان. [↑](#footnote-ref-2)
3. **- همان،باب 35- بَابُ كَرَاهَةِ الِاسْتِنْجَاءِ بِالْعَظْمِ وَ الرَّوْثِ، ح1، ص252.** [↑](#footnote-ref-3)